

درس سوم : رازی و ساخت بیمارستان

۱- متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید
طیب - رازی - بلند آوازه ی - دانشمند - زرگری - شوق - این گونه - تعیین - سخن
طیب و بزرگ شهر این را گفت و به خود پایان داد و در جای مناسب
به آنان کمک بزرگی کرد . آیا می دانید آن بزرگ که بود ؟
او محمد بن زکریای پزشک و دانشمند ایرانی بود . او به ناچار در کارگاه کار
می کرد اما خواندن او را به سمت کتاب می کشاند

۲- کلمه های مخالف را کنار هم بنویسید و هر دو را در یک جمله به کار ببرید
کهن - حاضر - جدید - غایب
..... : () ()
..... : () ()

۳- حروف به هم ریخته را مرتب کنید
ا - ض - ح - ر ع - ت - ی - ن - ی
ل - ا - ش - ت

۴- کلمه های به هم ریخته را مرتب کنید و جمله بسازید
نگاه - شهر - با - بزرگان - تعجب - هم - کردند - به
فرمان - از - طیب - شدند - این - شگفت زده - همه

۵- جمله ها را با توجه به فعل های داده شده کامل کنید

فعل	جمله
تازه بیاورید	فقط این تکه گوشت سالم
آویزان کردند	طیب با خون سردی به تکه های گوشت
مانده است	بروید و چند تکه گوشت
نگاهی کرد	گوشت ها را در چند نقطه ی شهر

۶- هم معنی مناسبی برای کلماتی که زیر آن ها خط کشیده شده بنویسید
- همه در این اندیشه بودند که بیمارستان در کدام بخش شهر ساخته شود

- او زکریای رازی دانشمند بلند آوازه ی ایرانی بود

۷- با واژه (گر - گار) ترکیب بسازید .
شنا - آموز - روز - زر - گردش

۸- مفهوم بیت زیر را بنویسید .
به دانش گرای و بدو شو بلند
چو خواهی که از بد نیابی گزند

۹- درباره ی کارهایی که هر روز انجام می دهی یک بند بنویس

۱۰- یکی از موضوع های زیر را انتخاب کن و خاطره بنویسید
- یک گردش علمی - یک جشن تولد

۱۱- از میان واژه های زیر آن هایی را که می توان در کنار هم قرار داد و واژه ی جدید ساخت را کنار هم بنویسید
شگفت - هوش - آوازه - خون - زده - بلند - مفید - سردی - ماند - گر - این - زر - گار - گونه

۱۲- متن زیر را به دقت بخوان و به سوالات پاسخ بده

نابینایی در شب تاریک ، چراغی در دست و سبویی بر دوش در راهی می رفت . فضولی به وی رسید و گفت ای نادان روز و شب تو یکسان است و روشنی و تاریکی در چشم تو برابر

این چراغ را فایده چیست ؟

نابینا بخندید و گفت این چراغ نه از بهر خود است از برای چون تو کوردلال بی خرد است تا به من پهلو نزنند و سبوی من را نشکنند

چرا مرد نابینا در دست چراغ داشت ؟

منظور از کوردلان بی خرد چیست ؟

بهترین عنوان برای این متن چه می تواند باشد ؟

یکی از حکیمان پسر خود را از پرخوری باز می داشت و می گفت سیری باعث بیماری می شود
پسر می گفت پدر گرسنگی مردم را می کشد و آن گاه پدر آیه از قرآن را برای پسر خود خواند : بخورید و بیاشامید
اما اسراف نکنید

چرا حکیم پسر خود را از پرخوری منع می کرد
به نظر شما پرخوری چه ضررهایی دارد
برای حکایت بالا یک عنوان مناسب بنویس

بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید یعنی چه
دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند . یکی آن که اندوخت و نخورد دیگر آن که آموخت و نکرد
علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی

کدام یک از افراد رنج بیهوده بردند ؟

مفهوم بیت را بنویسید .

بیت چند جمله دارد .

ماهی زبان به التماس گشود و گفت : ای پرنده با خوردن ماهی کوچکی مثل من سیر نخواهی شد ولی اگر حرف
های من را با دقت گوش کنی و من را آزاد نمایی به تو قول می دهم که هر روز دو ماهی چاق برایت بیاورم .

پرنده گفت بگو به خدا

اما منقار از هم گشودن همان و ماهی در آب افتادن همان

کلمه من مربوط به کدام شخصیت است

کلمه تو مربوط به کدام شخصیت است

حروف ربط را در متن پیدا کنید